



است، تاریخی چند هزار ساله را پشت سر گذاشته است.  
گره از بختتان باز شود! در این روز علف و سبزه به هم گره می خورند تا گره از بخت جوانان دم بخت باز کنند. این اعتقاد به کهن‌ترین افسانه ایرانی باز می‌گردد. به باور مردم ایران باستان و افسانه‌های کهن، آفرینش با کیومرث آغاز شده است. ابو ریحان بیرونی در کتاب آثار الاقیه آورده: «مشی» و «مشیانه» پسر و دختر دوقلوی کیومرث بودند که روز سیزده فروردین با هم ازدواج کردند. آن دو با گره زدن دوشاخه پایه ازدواج خود را بنانهادند. «از آن زمان تا سال‌ها هر زوج برای نکاح دوشاخه را به هم گره می‌زد. این رسم در زمان هخامنشیان به اوج خود رسید و هنوز هم

هر آغازی پایانی دارد. بی‌آنکه بدانیم در ابتدای یک اتفاق، خود را برای رویارویی با انتهای آن آماده می‌کنیم. می‌کوشیم پرونده را به لحظاتی خوش ببندیم، نوروز نیز که فرا می‌رسد، ۱۲ روز را یکی پس از دیگری می‌گذرانیم و زمینه می‌چینیم تا به انتهای این مراسم باستانی برسیم. سیزده‌بدر زمان موعد است؛ روزی که به طبیعت اختصاص دارد. در این میان پایان هر اتفاق می‌تواند خاطره انگیزترین لحظه آن باشد. سیزده بدر هم یکی از آن پایان‌های خوش و حسن ختام‌ها است.

مراسmi که سال‌های سال نیاکانمان برای این روز تدارک دیده‌اند، به پاس تفکر تاریخیمان هنوز هم زنده است. از پناه بردن به طبیعت گرفته تا گره زدن علف و پایان آن که به آب انداختن سبزه

انداختن سبزه را اجرا می‌کنند. در ایام نوروز خانواده‌ها به دقت از سبزه نگهداری می‌کنند تا روز سیزده آن را به آب روان بسپارند. به این امید که این دانه‌ها به همراه آب روان موجب برکت و باروری کشتزارها شود.

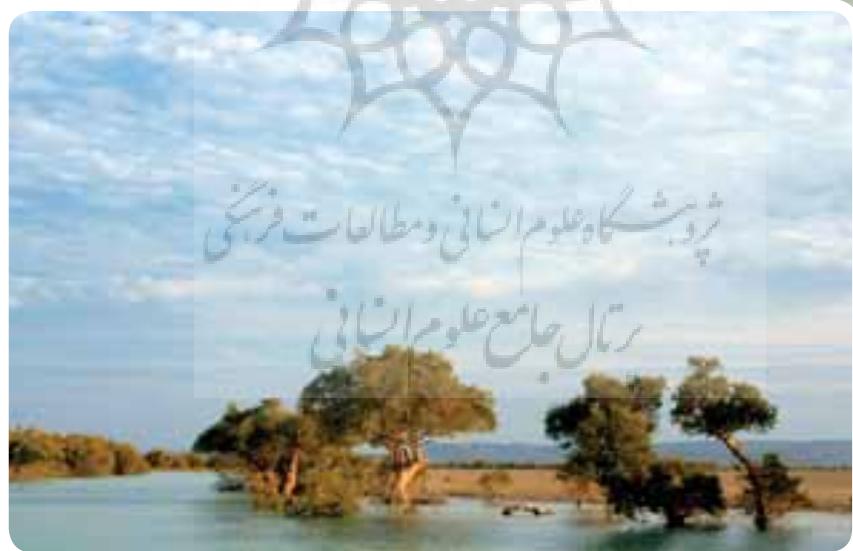
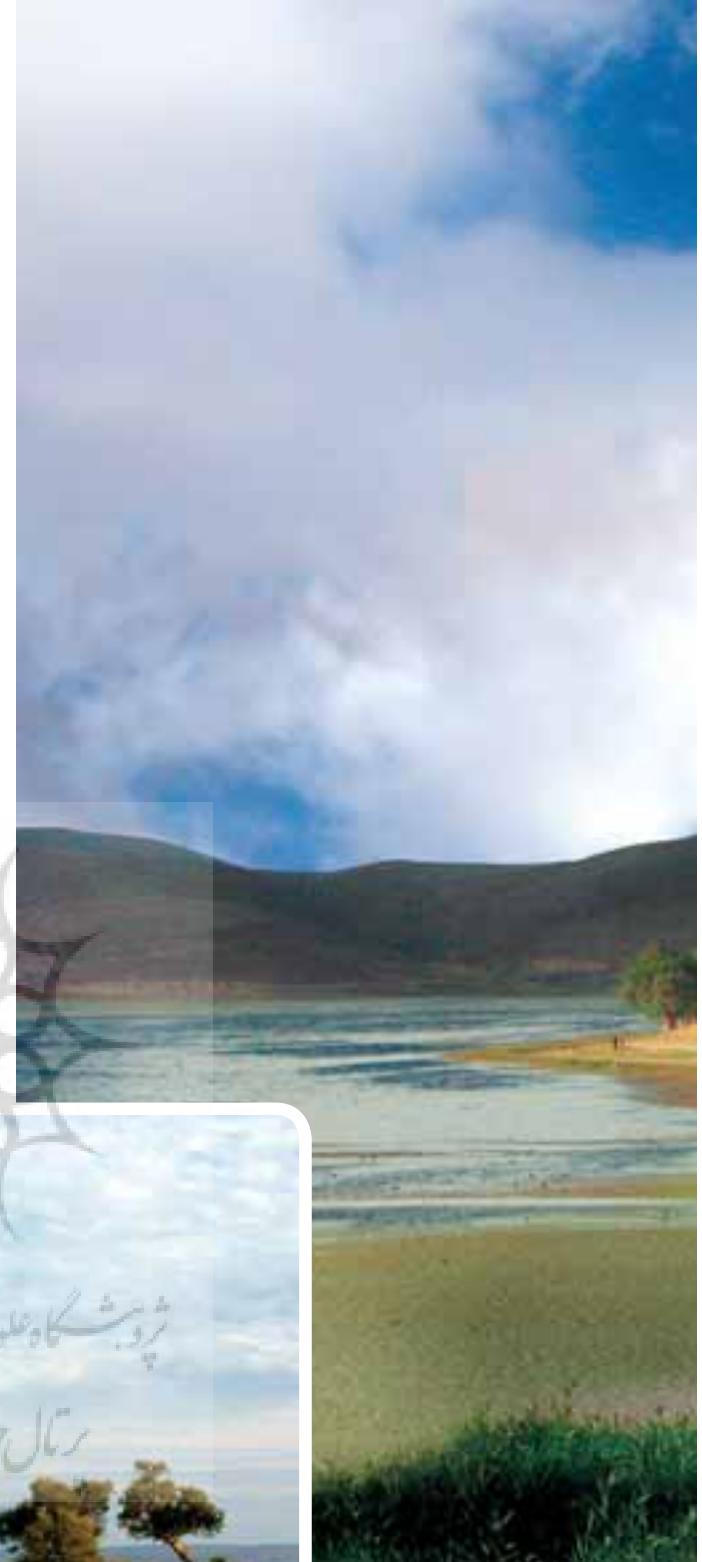
در نظر ایرانیان باستان سیزدهم هر ماه که تبر روز نامیده می‌شود متعلق به فرشته «تیر» است و در پهلوی آن را تیشتر می‌گویند. فرشته مقدس تبر در کیش مزدیستی مقام بلند دارد. ایرانیان باستان پس از دوازده روز جشن و شادی، سیزدهم نوروز را که روز فرخنده‌ای است به باغ و صحراء می‌رفتند، شادی می‌کردند و با اجرای رسم‌ها جشن نوروز را به پایان می‌رساندند.

«فريدون جنيدی»، اسطوره‌شناس درباره سیزده بدر می‌گويد: «يرانيان باستان سبزه نوروزی را در روز تیشتر، برای سپاس از ايذ تیشتر که آب را به جهانیان نثار می‌کند به آبهای روان نثار می‌کرددن».

افزایش میزان بارندگی‌ها برای رونق کشت‌وکار و زراعت موضوعی است که همواره مورد توجه کشاورزان بوده است. از این روز از گذشته تاکنون اقوام مختلف رسم‌های متعددی را برای بارش باران اجرا کرده‌اند.

«بهرام فرهوشی»، استاد دانشگاه تهران، مورخ و اسطوره‌شناس نیز مراسم سیزده نوروز را روز ویژه «طلب باران برای کشتزارها» دانسته و در کتابش آورده: «يرانيان در روزگاران کهن پس از برگزاری مراسم نوروزی و دمیدن سبزه و گندم و جو و حبوبات در نخستین روزهای سال، در روزی که متعلق به ستاره باران بود، یعنی در روز سیزدهم فروردین ماه، به دشت و صحراء و کنار چشمه و جویبار می‌رفتند و به هنگام شکست یافتن ديو خشکسالی «اپوشه» در نیم روز، گوسفنده بريان می‌کردند و اين نثاری بود برای فرشته باران «تیشتر یا تیر» تا کشت‌های نodemideh را سیراب کند».

او با مقایسه مراسم سیزده‌بدر امروز نسبت به گذشته می‌گوید: «خوردن غذای روز در دشت و صحراء نشانه همان فدیه گوسفنده بريان



این افسانه کهن در روز سیزده فروردین به شکل نمادین اجرا می‌شود و دختران و پسران برای بستن پیمان زناشویی نیت می‌کنند و علف گره می‌زنند. کردهای ایران و عراق که زرتشت را از خود می‌دانند روز سیزدهم آنها در این روز گره زدن دو سبزه نورسته است با این آرزو که تسلسل تولد و زایش برقرار و نظام هستی در جریان باشد.

**سبزه را با سپاس به آب بسپاريم**  
هنوز هم بسیاری از خانواده‌ها در روز سیزده‌بدر رسم به اب

است که در اوستا آمده و افکنندن سبزه‌های تازه دمیده نوروزی به آب روان جویبار تمثیلی از دادن فدیه به ایزد آب «آناهیتا» و ایزد باران و جویبارها «تیر» است و به این طریق تخم بارورشده‌ای را که ناهید فرشته موکل بر آن بوده به خود او باز می‌گردانند و گیاهی را که ایزد تیر پرورانده است به وی باز می‌سپرند تا موجب برکت، باروری و آبسالی در سال نو باشد.

آدم و حوا و چگونگی آمدن آنها بر زمین و در پی آن ماجراهایی



در واقع نمادی از زندگی انسان‌ها در پرده‌یس است، متعلق به ستاره باران انگاشته می‌شد، زیرا نزول باران بهاری باعث سر سبزی و طراوت زمین شده و نمایه‌ای از بهشت را به وجود می‌آورد. این اعتقاد در ایران باستان موجب می‌شد، سیزدهم نوروز، روز ویژه طلب باران بهاری برای کشتزارهای نو دمیده، دانسته شود.

در این روز، از دیر باز مردم ایران به دشت و صحراء می‌رفتند تا با شکست دیو خشکسایی، گوسفندي برای فرشته باران، قربانی کنند و این فرشته کشت‌های نو دمیده را باران سیراب کند.

بنابر نظر «مهرداد بهار»، محقق در حوزه ادبیات و اسطوره‌شناس، خاستگاه و پیشینه رسم سیزده بدر تحت تاثیر نجوم بین النهرينی، شکل گرفته است. به گفته او طبق این اساطیر، هر یک از دوازده اختر که خود بر یکی از برج‌های دوازده‌گانه حاکم است، هزار سال بر جهان حکومت خواهد کرد. از این رو عمر جهان ۱۲ هزار سال است و در پایان این سال‌ها، آسمان و زمین در هم شده و آشتفتگی باز خواهد گشت. بهار می‌افزاید: «این اخترها جشن‌های دوازده روزه آغاز سال را باین سال ۱۲ ماهه و دوره ۲ هزار ساله عمر جهان مربوط می‌دانستند و آنچه را در این دوازده روز پیش می‌آمد، سرنوشت سال خود می‌انگاشتند و گمان می‌کردند اگر روزهای نوروزی به اندوه بگذرد، همه سال به چنین خواهد گذشت. مختصر آن که، دوازده روز آغاز سال نماد و مظهر همه سال بود. اما اگر در پایان دوازده هزار سال جهان در هم شد و آشتفتگی نخستین، باز می‌گشت و اگر به نشان آن، در پایان هر سال قانون از میان برمی‌خاست، پس در پایان دوازده روز نیز یک روز نشان آشتفتگی نهایی و پایان سال را بر خود داشت. در این روز کارکردن و نظام عمومی را رعایت کردن نیز از میان برمی‌خاست و شاید عیاشی‌ها و «رجی» باری دیگر برای یک روز جلوه می‌کرد.»

او نحسی سیزدهم عید را نیز نشان فرو ریختن و اپسین جهان و نظام آن عنوان می‌کند که در پی پیروزی نیکی بر بدی، روز رهایش انسان‌ها از جهان مادی و بازگشت ارواح به جهان مینوی است. خارج شدن از روال عادی زندگی و تعطیلی کارهای روزمره و ترک خانه و کاشانه و سپری کردن این روز به بازی و تفریح در بیرون شهر همگی تمثیلی از آشتفتگی هزاره سیزدهم جهان است.

#### سیزده فروردین، روز برد و باخت

رسم دیگری که در گذشته و در این روز انجام می‌شد، شرکت در مسابقات بُرد و باخت سوارکاری بود که یاد آور نبرد ایزد باران با دیو خشکسالی است و امرزوze با تغییر چهره، در دیگر بازی‌ها و مسابقات رقابتی، مثل شطرنج، کشتی اجرا می‌شود.

که جمعیت بشر را به امروز رسانده داستانی است که مسلمانان به آن باور دارند. در دیگر مذاهب و مکاتب اعتقادی نیز این ماجرا به شکلی دیگر بیان شده است. مشی و مشیانه شخصیت‌هایی از این دست هستند.

«محمد بقایی (ماکان)»، پژوهشگر تاریخ، سیزده بدر را یاد آور تولد و میلاد انسان ایرانی و نمادی از گیاه «مشی» و «مشیانه» (نخستین زوج) می‌داند. چرا که براساس اساطیر ایرانی، انسان از به هم پیوستن این دو ساقه ریواس به وجود آمده است.

#### با زماندگان مانوبیان و سیزده بدر

شباهتی که میان سیزده بدر و برخی از رسم‌های «کاتارها» وجود دارد برخی را بر این گمان نزدیک کرده که ریشه‌های مشترک باستانی این روز در آیین مانوی هم دیده می‌شود. کاتارها با زماندگان مانوبیان در اروپا هستند. این‌ها افکارشان ترکیبی از اندیشه‌های زرده‌شی، فلسفه باستان و مسیحیت است. کاتارها در روز عید پاک که برخی سال‌ها به سیزده فروردین نزدیک است از خانه بیرون آمده و روز را در دامن صhra و کنار کشتزار می‌گذرانند و برای ناهار با خود تخم مرغ به همراه می‌برند.

در این روز، پنهان کردن تخم مرغ در گوش و کثار و پیدا کردن آنها سرگرمی کودکان است. این در حالی است که بازی و سرگرمی کودکان با تخم مرغ فقط در روزهای عید بهاری رسم است. شباهت دیگر این دو را می‌توان در رسم دروغ‌های روز اول آوریل، با شوخی‌های سیزده بدر جستجو کرد. روز اول آوریل، هر چهار سال یکبار مصادف با روز سیزده فروردین است.

#### روز سیزده نوروز نماد حضور انسان در پرده‌یس

در اسطوره‌های ایرانی عمر جهان هستی ۱۲ هزار سال پیش بینی شده است. به اعتقاد ایرانیان باستان، پس از این دوره، جهان بسته می‌شود و انسان‌ها که وظیفه‌شان، جنگ علیه اهريمن است، با سپری شدن این ۱۲ هزار سال و ظهور سوшиانس (ناجی موعود) سر انجام به پیروزی و ظفر می‌رسند.

عدد ۱۲ از آن زمان یا پیش از آن نزد ایرانیان، مقدس بوده است. شاید آنان عدد ۱۲ را از بروج دوازده گانه سال گرفته باشند. به این ترتیب، در تقویم ایرانی، نخستین دوازده روز سال، «حشن زایش انسان‌ها»، تمثیلی از ۱۲ هزار سال زندگی و نبرد با اهريمن است و روز سیزدهم تمثیلی از هزاره سیزدهم و آغاز رهایش از جهان مادی است. به همین دلیل نیز، روز سیزدهم که